

اسرائیل کانگرس آمریکا را میخرد :

تخریب مذاکرات صلح ایالات متحده – ایران

نوشته پروفیسور جیمز پتراس، برگرفته از تارنمای گلوبال ریسرچ، ۲ نوامبر ۲۰۱۳، برگردان از زبان انگلیسی: فرهاد

جک سترا، عضو پارلمان و وزیر خارجه سابق از حزب کار بریتانیا میگوید: «گروه های سیاستمدار طرفدار اسرائیل مانند AIPAC (کمیته امور دولتی آمریکا اسرائیل. م.) با بودجه نامحدودی برای تغییر سیاست ایالات متحده در منطقه (خاور میانه) کار میکنند».



بتاریخ ۲۲ اکتوبر سال ۲۰۱۳، شلدون ادلسن، بزرگترین تمویل کننده حزب جمهوری خواه و جمع آوری کننده عمده کمک برای کمیته فعالیت های سیاسی طرفدار اسرائیل، در دانشگاه یشیوا نیویارک چنین گفت: «ایالات متحده باید بمب اتمی را بالای ایران پرتاب نماید تا این کشور را برای ترک برنامه هسته یی اش وادار سازد».

معرفی نامه

سوال جنگ و صلح با ایران وابسته به سیاستی است که در قصر سفید و کانگرس ایالات متحده اتخاذ میگردد. گام های صلح با انتخاب تازه رییس جمهور ایران روحانی، طنین خوبی را در سرتاسر جهان انداخته است، به استثنای اسرائیل و دستیاران صهیونیستی آمریکای شمالی و اروپایی اش. اولین نشست مذاکرات، بدون اتهام زنی متقابل، پایان یافت و به یک ارزیابی خوشبینانه از هر دو جانب راه برد. دقیقاً به دلیل پاسخ مثبت آغازین در میان طرفین، دولت اسرائیل تبلیغ جنگ با ایران را افزایش داد. نماینده های این کشور در کانگرس ایالات متحده، رسانه های جمعی و قوای اجرایی دولت، به تخریب روند صلح پرداختند. آنچه مایه نگرانی است، همانا امکانات جنگهای اسرائیل با استفاده از نیروی نظامی ایالات متحده و متحدان ناتو وی بر ضد هر دولتی که برتری نظامی اسرائیل را در خاور میانه به چالش بکشاند، غصب خشونت آمیز خاکهای فلسطین و توانایی حمله بدون کیفر و باز خواست بر هر رقیبی میباشد.

برای درک آنچه در این مذاکرات مایه نگرانی است، باید پرسید که نتایج شکست مذاکرات چی خواهند بود: زیر فشار اسرائیل، ایالات متحده اعلان کردند که «گزینه نظامی» یعنی حمله موشکی و بمباردمان بر ضد ۷۶ میلیون شهروند ایران به منظور براندازی دولت و اقتصاد آنها، میتواند مطرح گردد. در برابر چنین تجاوزی، تهران میتواند بطور تلافی جویانه پایگاه های نظامی ایالات متحده در منطقه و تاسیسات نفتی خلیج را هدف قرار دهد که البته باعث بروز یک بحران سرتاسری خواهد گردید. این چیز است که اسرائیل میخواهد.

ما از بررسی مسئله برتری نظامی اسرائیل در خاور میانه آغاز میکنیم. سپس نیروی غیر قابل باور اسرائیل را در اداره روند سیاسی آن کشور و چگونگی شکل دهی مذاکرات حاضر توسط این مسئله را با برجسته ساختن قدرت صهیونیستی در کانگرس ایالات متحده، به تحلیل میگیریم.

چارچوب برتری نظامی اسرائیل در خاور میانه

پس از ختم جنگ دوم جهانی، اسرائیل بیشتر از قدرت استعماری پیشین، بجز ایالات متحده، در کشورهای خاور میانه و آفریقا بمب افگند، تجاوز کرد و اشغال کرد. لیست قربانیان اسرائیل شامل این کشورها است: فلسطین، سوریه، لبنان، مصر، عراق، اردن، سودان و یمن. اگر ما کشور های را که اسرائیل مخفیانه حملات تروریستی و کشتار ها را در آن سازمان داده است، شامل کنیم، این لیست طولانی تر شده و ده ها کشور اروپایی و آسیایی، به شمول شبکه تروریستی صهیونیستی در خود ایالات متحده را در بر میگیرد.

طرح قدرت نظامی اسرائیل و امکانات راه اندازی جنگهای تهاجمی در صورت داشتن میل، همه با بی کفیری و عدم بازخواست مطلق عجیب است. اسرائیل با وجود نقض مکرر قوانین بین المللی، به شمول جنایات جنگی، به دلیل آنکه ایالات متحده از حق ویتو در فیصله نامه های شورای امنیت و فشار متحدان اروپایی ناتو خویش استفاده میکند، هیچ گاهی از جانب یک محکمه بین المللی احضار نشده و در معرض هیچ تحریم اقتصادی قرار نگرفته است.

برتری طلبی نظامی اسرائیل کمتر به استعداد ذاتی تکنولوژیک - صنعتی جنگ طلبانه اش مربوط میشود تا به دزدی آشکار و انتقال تکنولوژی و سلاح هسته وی، شیمیایی و بیولوژیک از ایالات متحده (گرانیت سمیت "ده اسرار انفجاری اسرائیل از دولت ایالات متحده"). بر مبنای تحقیقات رییس سابق سی آی ای، ریچارد هلمس، صهیونیست های آنطرف اقیانوس در ایالات متحده و فرانسه، نقش ستراتیژیک (و خانثانه) در سرقت و انتقال تکنولوژی هسته وی و مؤلفه های اسلحه را به عهده دارند.

اسرائیل دارای انبار های عظیم سلاح هسته وی، شیمیایی و بیولوژیک بوده و هر نوع راه یابی بازرسان بین المللی اسلحه به آنها را رد میکند و همچنان، به دلیل مداخله دیپلماتیک ایالات متحده، موظف به رعایت پیمان منع گسترش سلاح نیست. زیر فشار «زایونیست پاور کنفیگوریشن» (ZPC - هیئت صهیونیستی قدرت. م.)، دولت ایالات متحده راه هر اقدامی را که بتواند اسرائیل را در تولید سلاح کشتار جمعی محدود سازد، بسته است. در حقیقت ایالات متحده - با نقض قوانین بین المللی - به تحویل اسلحه ستراتیژیک تخریب جمعی، به منظور استعمال آن در برابر کشور های همسایه اسرائیل، ادامه میدهد.

در نیم قرن اخیر، امداد نظامی و تکنولوژیک ایالات متحده به اسرائیل از ۱۰۰ میلیارد دالر تجاوز میکند. مداخله دیپلماتیک و نظامی ایالات متحده در جلوگیری از شکست اسرائیل در جنگ سال ۱۹۷۳ بی نهایت حیاتی بود. امتناع رییس جمهور ایالات متحده لیندن جانسن در دفاع از کشتی اطلاعاتی غیر مسلح بنام یو اس لیبرتی در سال ۱۹۶۷، پس از آنکه توسط هواپیماهای جنگی و کشتی های اسرائیل بمباران و توسط سلاح ناپالم در آبهای بین المللی سوزانده شد، از برکت مشاورین صهیونیست جانسون، این یک دست آورد عظیم برای اسرائیل به شمار میرفت. اسرائیل به دلیل بی کفیر ماندن، حتا در کشتار نظامیان آمریکا در جنگ های تجاوز گرانه برای برتری بر کشورهای همسایه، در انجام اعمال تروریستی و در کشتار رقیبان در سرتاسر جهان، بدون داشتن هراس از اقدامات تلافی جویانه، ید طولایی دارد.

برتری نظامی بلا منازع اسرائیل باعث شده است تا همسایگان ناگزیر به مشتریان همکار وی مبدل گردند: مصر و اردن یکجا با دولت های شاهی خلیج، بالفعل به صفت متحدان خدمت کرده و اسرائیل را در سرکوب جنبش های ملی منظوقی و طرفدار فلسطین حمایت میکنند.

عامل تعیین کننده در افزایش و تحکیم قدرت اسرائیل در خاور میانه، شجاعت نظامی وی نی، بل دسترسی های سیاسی و نفوذ آن از طریق عوامل صهیونیست اش در ایالات متحده میباشد. جنگ های واشنگتن بر ضد عراق و لیبی و حمایت کنونی از حمله چند

تا مزدور بر ضد سوریه، در حقیقت سه رقیب عمده سیکولار ملی را به نفع جاه طلبی های هژمونیستی اسرائیل در منطقه نابود کرده است.

هر قدری که اسرائیل قدرت خویش را در منطقه تمرکز میبخشد، یعنی خاک های فلسطین را بیشتر غصب میکند، به همان اندازه بیشتر به جانب شرق مینگرد تا آخرین مانع در راه سیاستهای استعماری خویش یعنی ایران را، از میان بردارد.

برای مدت کم از کم دو دهه، اسرائیل اجنت های (ZPC) آنطرف آنها را سفارش داد تا دولت ایران را از طریق بی ثبات سازی جامعه، ترور دانشمندان، بمباردمان تاسیسات نظامی و لابراتوار ها و خفه ساختن اقتصاد آن، سرکوب کنند.

پس از آنکه ZPC ایالات متحده را در سال ۲۰۰۳ با از بین بردن کامل جامعه سیکولار و کشتن بیشتر از یک میلیون عراقی، پیروزمندانه بر ضد عراق کشاند، برای از بین بردن لبنان (حزب الله) و دولت سیکولار سوریه، به منظور منزوی ساختن ایران و آماده گی تهاجم بر این کشور، به آن سو رخ گشتاند. در حالیکه هزار ها غیر نظامی لبنانی در سال ۲۰۰۶ قتل عام شدند، حمله اسرائیل بر لبنان، با وجود حمایت دولت ایالات متحده و کارزار وحشیانه تبلیغاتی ZPC، شکست خورد. با دیوانه گی از شکست خویش از دست حزب الله، برای تلافی آن شکست و "بالا بردن روحیه"، اسرائیل در سال (۲۰۰۸/۹) به نوار غزه (بزرگترین زندان بدون سقف جهان) تهاجم نموده و آنرا ویران نمود.

اسرائیل با فقدان توانایی حمله مستقل بر ایران، به نماینده های خویش امر کرد تا دولت ایالات متحده را برای آغاز یک جنگ با تهران ترغیب نمایند. رهبران نظامی گرای تل ابیب داشته های سیاسی خویش (ZPC) را بکار انداختند تا از طریق ایالات متحده، ایران- این آخرین مخالف توانمند برتری جویی اسرائیل در خاور میانه- را از بین ببرد.

استراتژی اسرائیل- ZPC اینست که ایالات متحده را، با استفاده از نماینده های خویش در قوای اجرایی، به دلیل فساد موجود در این دستگاه، رشوه ستانی و کنترل کانگرس ایالات متحده، بر سکوی رویارویی با ایران قرار دهد. ZPC به وسیله رسانه های جمعی، کارزار تبلیغاتی خود را افزایش میبخشد: هر روز نیویارک تایمز و واشنگتن پست با مقاله ها و سرمقاله های خویش دستور کار (آجندا) جنگ اسرائیل را انتشار میدهند. ZPC وزارت امور خارجه ایالات متحده را بکار میگمارد تا دولت های دیگر ناتو را همچنان با ایران مواجه سازد.

جنگ وکالتی اسرائیل با ایران : فشار سیاسی ایالات متحده، تحریم های اقتصادی و تهدید های نظامی

بدون تخریب کاری اینترنتی (سایبری)، قتل پی در پی دانشمندان ایران توسط اجنت های مزدور از میان گروه های تروریستی ایرانی و نکوهش های بدون وقفه سیاستمدار ها و « جمعیت آمین گویان » اسرائیل، تنها جنگ نظامی با ایران نتیجه دلخواه نمیخشد. خارج از مرز های اسرائیل، این کارزار تاثیر کمی بالای افکار عمومی داشت. دست دراز اسرائیل بر ایران، منحصر ا وابسته است به ظرفیت دستکاری سیاست ایالات متحده، با استفاده از نماینده های محلی و گروه های که کانگرس آمریکا را اداره میکنند و همچنان توسط نصب افراد خویش در کرسی های کلیدی در بخشهای خزانه داری، تجارتی، دادگستری و « مشاوران » خاور میانه. اسرائیل نمیتواند به تنهایی یک کارزار تحریم موثر بر ایران را سازمان دهد؛ هکذا نمیتواند تاثیر گذار بر قدرت های عمده دیگری در رعایت این کارزار باشد. تنها ایالات متحده چنین قدرتی را دارند. تسلط اسرائیل بر خاور میانه بطور کل از ظرفیت وی در بسیج نماینده هایش، اعم از مقام های دولتی انتخاب شده و انتصاب شده در ایالات متحده، که مکلف به اطاعت کامل از منافع اسرائیل اند، به خصوص منافع وی در برابر دشمنان منطقوی، منشا میگیرد.

با موقعیت ستراتیژیک، شهروندان دارای تابعیت دوگانه ایالات متحده – اسرائیل، از تابعیت آمریکایی خود برای احراز مقام های بلند دستگاه امنیتی در ایالات متحده، که مستقما در سیاست های مربوط به اسرائیل دخیل اند، استفاده میکنند. به صفت اسرائیلی، فعالیت های آنها در مسیر دستورهای تل ابیب سیر میکنند. در اداره بوش (۲۰۰۸-۲۰۰۱) نخبه های عالی رتبه اسرائیلی که پنتاگون را رهبری میکردند، در میان دیگران، عبارت بودند از (پاول ولفوویتس، دگلاس فایس)، امنیت خاور میانه (مارتین ایندیک، دنیس روس)، دفتر معاون ریاست جمهوری (سکووتر لیبی)، خزانه (لیوی) و امنیت داخلی (مایکل چرتاف). در اداره اوباما نخبه گان اسرائیل شامل دنیس روس، راهم امنوئل، دیوید کوهن، رییس خزانه جک لیو « جک مار، (یعنی مشهور به مار. م.) «، رییس تجارت پنی پریسکر و مایکل فورمن به حیث نماینده تجارتی.

نیروی وکالتی اسرائیل در قوای اجرایی آمریکا، همسان است با سلطه وی در کانگرس ایالات متحده. خلاف نظر برخی از منتقدان، اسرائیل نه «دوست» ایالات متحده است و نه «مشرقی» آن. شواهد عدم تناسب بزرگ این روابط در نیم قرن گذشته به وفور به چشم میخورد. بخاطر همین نماینده گان پر قدرت در کانگرس و قوای اجرایی، اسرائیل در ۳۰ سال اخیر اضافه تر از ۱۰۰ میلیارد دلار یا ۳ میلیارد دلار در سال از ایالات متحده بدست آورده است. پنتاگون ایالات متحده مدرن ترین تکنولوژی نظامی را تحویل داده و جنگ های متعددی را به نماینده گی از اسرائیل براه انداخته است. وزارت خزانه داری ایالات متحده تحریم های را بر ضد تجارت بالقوه پر سود و شرکای سرمایه گذاری خویش، با محروم ساختن صادر کننده گان اجناس زراعتی و صنعتی و موسسات نفتی به ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد، به خاور میانه (مانند ایران، عراق و سوریه) وضع کرده است. قصر سفید زنده گی ۴۴۰۰ تن سرباز ایالات متحده را در جنگ عراق – جنگ تحمیلی از جانب نماینده گان اسرائیل و به دستور رهبران اسرائیلی – قربانی کرده است. وزارت امور خارجه روابط نیک و پر منفعت با ۱،۵ میلیارد مسلمان را بخاطر حمایت از یک توافق غیر قانونی با نیم میلیون یهود استعمار گر در خاکهای فلسطین، غصب شده با قوه نظامی، در سواحل غربی و اورشلیم رد کرده است.

پرسش ستراتیژیک اینست که چطور و چرا این رابطه یکجانبه میان ایالات متحده و اسرائیل، حتا بر ضد منافع تا این حد ستراتیژیک و نخبه برای ایالات متحده، به این درازا ادامه یافته است؟ اما پرسش فوری و ضروری چنین است که چگونه این رابطه تاریخی نا متوازن بر تحریم های کنونی آمریکا – ایران در مذاکرات هسته وی تاثیر میگذارد؟

ایران و مذاکرات صلح

بدون شک رییس جمهور تازه انتخاب شده ایران و وزیر امور خارجه وی آماده اند تا بالای ختم دشمنی ها با ایالات متحده، با امتیاز اطمینان بخشیدن در مورد استفاده صلح آمیز از نیروی هسته وی، گفتگو کنند. آنها اظهار داشتند که سوای پیشنهاد های دیگر، آنها برای کاهش و حتما قطع تولید اورانیوم بیشتر غنی شده، کاهش کوره های سوخت اتمی و حتما بازرسی های بدون اطلاع قبلی، آماده اند. دولت ایران پیشنهاد نموده که نقشه بی را با اهداف نهایی، به مثابه بخشی از توافقات اولیه، آماده نموده. وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا، خانم اشتون در مورد اولین دیدار، نظر مطلوب ارایه نموده است.

دولت ایالات متحده پس از ارایه پیشنهاد های ایران، در آن مورد و همچنان نخستین دیدار، سیگنال های متناقض داده است. صهیونیست های دولت، مانند وزیر خزانه «جک لیو»، اصرار مینمایند که تحریم ها تا زمانی که ایران به تمام مطالبات ایالات متحده (به نوشته "اسرایلی" مراجعه شود) لیبیک گوید، همچنان باقی بمانند. کانگرس ایالات متحده، که از جانب ZPC خریده شده و اداره میشود، تمام وعده ها و انعطاف پذیری ایران را رد کرده و بر «گزینه» نظامی و یا برچیدن کامل برنامه صلح آمیز هسته وی آن – یعنی مواضع ZPC برای برهم زدن مذاکرات - پافشاری مینماید. برای دست یابی به این هدف، کانگرس تحریم های جدید و شدید تر اقتصادی برای خفه ساختن اقتصاد نفتی ایران را تصویب نموده است.

چطور کمیته اقدام سیاسی اسراییل کانگرس ایالات متحده را اداره میکند و برای جنگ آماده گی میگیرد

ساختار قدرت صهیونیستی، نیروی- آتش مالی خویش را برای فرماندهی سیاست کانگرس در خاور میانه و به منظور تضمین آنکه کانگرس و سنا یک گام هم از خدمت به منافع اسراییل عقب نرود، بکار میگیرد. این ابزار صهیونیستی برای خرید مقامات رسمی انتخابی ایالات متحده همانا کمیته اقدام سیاسی (PAC)، "پولیتیکال اکشن کمیته. م." است.

از برکت فیصله یک محکمه عالی ایالات متحده در سال ۲۰۱۰، Super - PAC (PAC عالی. م.) مربوط به اسراییل، مبالغ هنگفتی را در جهت انتخاب و یا عدم انتخاب نامزد ها، در وابسته گی به کار سیاسی هر نامزد به سود اسراییل، به مصرف میرساند. تا زمانیکه این مبالغ مستقیما به نامزد تحویل نگردیده، Super - PAC مکلف نیست افشا کند که به چی مقدار و یا چطور آنرا خرج کرده است. وجوه مستقیم و غیر مستقیم پرداخت شده به رهبران گروه قانون گذار ایالات متحده، قرار تخمین های محافظه کارانه ZPC، بالغ میشود به تقریبا ۱۰۰ میلیون دالر در ۳۰ سال اخیر. ZPC این وجوه را به قانون گذاران اعضای کمیته کانگرس که با سیاست خارجی سر و کار دارند، به خصوص افراد کمیته های فرعی که در امور خاور میانه معامله میکنند، میپردازد. مایه تعجب نیست که بزرگترین دریافت کننده گان پول های ZPC آنهاست که سیاست های تندرو اسراییل را ترویج میکنند. در تمام جاهای دیگر در سرتاسر جهان، اگر چنین پرداخت های برای خریداری رای قانونی انجام شود، بطور روشن رشوه خواری به حساب می آید و مستوجب مجازات و حبس برای هر دو جانب میباشد. در ایالات متحده، خرید و فروش رای سیاسی بنام "لابی" یاد شده و قانونی و آزاد میباشد. قوای اجرایی دولت ایالات متحده به یک روسپی خانه گران قیمت و یا مجلس برده داران سفید شباهت پیدا کرده است – اما وابسته با زنده گی هزاران انسان در خطر.

ZPC اتحاد افراد کانگرس و سناتور ها را در یک مقیاس گسترده بی خریداری نموده است: از ۴۳۵ تن عضو مجلس نماینده گان ایالات متحده (sic)، ۹۱۲ تن آن پرداخت های از جانب ZPC در بدل رای خویش برای دولت اسراییل را دریافت کرده اند. فساد حتما در میان 100 تن سناتور ایالات متحده شایع تر است، به دلیل آنکه از میان آنها ۹۴ تن در بدل وفا داری شان به اسراییل، از PAC و Super - PAC پول دریافت کرده اند. ZPC به جیب هر دو جانب اعم از جمهوری خواهان و

دموکرات ها پول میریزد، بنا بر آن بطور غیر قابل باور (در این مدت بلا تکلیفی کانگرس)، تقریباً اکثریت آرا را (از هر دو جانب) راه، با وجود جنایات جنگی، مانند بمباران غزه و لبنان، و همچنان تادیه سالانه ۳ میلیارد دلار از پول مالیه پردازان ایالات متحده به تل ابیب، به نفع «دولت یهودی» تضمین میکند. در دهه اخیر، کم از کم ۵۰ سناتور ایالات متحده، هر کدام از ۱۰۰۰۰۰ تا ۱ میلیون دلار پول از PCZ دریافت کرده اند. آنها در بدل این مبلغ، به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار به رسم ادای دین به اسرائیل پرداخته اند ... به اضافه سایر خدمات و پرداخت های ارایه شده. اعضای کانگرس ایالات متحده ارزان تر اند: ۲۵ تن قانون گذار از ۵۰۰۰۰ تا ۲۳۸۰۰۰ دلار دریافت کرده اند و متباقی بی اهمیت است. بدون در نظر داشت اندازه پول، نتیجه نهایی همان یکی است: اعضای کانگرس اوراق خود را از مربیان صهیونیست PAC ها، Super - PAC ها و AIPAC خویش میستانند و در مقابل، تمام جنگ های اسرائیل در خاور میانه را حمایت نموده و تجاوز ایالات متحده را به نماینده گی از اسرائیل انجام میدهند.

سرشناس ترین و با نفوذ ترین قانون گذاران، بزرگترین قسمت وام های مخفی و غیر مستقیم صهیونیستی را برای پیشبرد امور تجارتي خویش بدست می آورند: سناتور مارک کرک (بمباران تهران!) با حصول ۹۲۵۰۰۰ دلار از جانب ZPC در فهرست آبشخور خوک ها، در بالا ترین مقام قرار دارد. سپس جان مک کین (بمباران دمشق!) با ۷۷۱۰۰۰ دلار، در حالی که سناتور میچ مک کاتل، کارل لوین، روبرت منندز، ریچارد دارین و سایر سیاستمداران صهیونیست گرا از گرفتن کاسه گدایی، زمانیکه پول های کتیف PAC هوادار اسرائیل فرا میرسد، احساس شرم نمیکنند. ایلینا روز-لتینن، عضو کانگرس از فلوریدا، با ۲۳۸۰۰۰ دلار و با صد در صد رکورد اسرائیل - گرای و روحیه جنگ طلبی خویش، حتا بالاتر از نتانیا هو، در سر تاج این فهرست قرار دارد. اریک کنتور به مبلغ ۲۰۹۰۰۰ دلار در بدل حمایت خویش از "جنگها برای اسرائیل"، به قیمت پایین آوردن سطح زنده گی در آمریکا از طریق کاهش پرداخت امداد اجتماعی (پول تقاعد. م.) برای باز نشسته گان ایالات متحده، به منظور افزایش امداد نظامی برای تل ابیب، بدست آورده است. آقای سنتی هویر، تازیانه بدست مجلس اقلیت، بخاطر شلاق زدن چند تا دموکرات متزلزل و برگشتاندن دوباره آنها به "اردوگاه" اسرائیل، به مبلغ ۱۴۴۰۰۰ دلار کمایی کرده است. به رهبر مجلس اکثریت، جان بوهرنر، به مبلغ ۱۳۰۰۰۰ دلار برای انجام همان کار در میان جمهوری خواهان نا باور پرداخت شده است.

ZPC مبالغ هنگفتی را هزینه توبیخ و تخریب ده ها قانون گذار، که بر ضد جنگ های اسرائیل و تخطی هایش از قانون حقوق بشر به پا خاسته بودند، نموده است. ZPC میلیونها دلار را صرف کمپاین های انفرادی نموده، نه تنها نامزد های مخالفین که متعهد وفا داری به اسرائیل بودند، را تامین مالی نموده، بل با ترور منتقدان بر حال اسرائیل، چهره کریه خویش را نمایان کرده است. این کمپاین ها در تاریک ترین مناطق ایالات متحده، از جمله در اکثر مناطق آفرو-آمریکایی نشین (مناطق آفریقای نژاد های آمریکا. م.)، جایی که منافع و نفوذ صهیونیستی در واقع بطور مطلق صفر است، راه اندازی شده اند.

در حقیقت هیچ PAC، Super - PAC، رهبر حزبی و یا سازمان مدنی نیست که بتواند در برابر نیروی ستون پنجمی اسرائیل بایستد. بر مبنای اسنادی که توسط پژوهشگر با شهامت، گرانت سمیس از IRMEP (انستیتوت پژوهش سیاست خاور میانه. م.) بایگانی شده است، زمانیکه حرف در مورد اسرائیل است، وزارت عدلیه ایالات متحده، خود از تطبیق قوانین فدرال، که از شهروندان تطبیق آنها را مطالبه دارد و میخواهد تا آنها فعالیت های خویش برای یک کشور بیگانه را در دولت ثبت نمایند، مصرانه سر باز میزند - حد اقل از سال ۱۹۶۳ به اینسو چنین بوده است. از جانب دیگر، ZPC از طریق «مجمع ضد افترا» وزارت عدلیه، اف بی آی و سازمان امنیت ملی (NSA) را زیر فشار قرار داده تا شهروندان مطیع قانون، وطن پرست و منتقد استعمار اسرائیل، غصب کننده زمینهای فلسطین، و رشوه خواران صهیونیستی نظام سیاسی ایالات متحده را به نماینده گی از استاد خارجی خویش، مورد تحقیق و تعقیب قرار دهند.

فساد و تضعیف دموکراسی ایالات متحده توسط مطبوعات سازش گر و رشوه خوار «قابل احترام»، امکان پذیر شده است. ستیف لیندن، منتقد مطبوعاتی، در پژوهش های خود در نیویارک تایمز، به ارتباط مستقیم میان اسرائیل و رسانه های جمعی

اشاره نموده است. خبرنگاران با نفوذ (منصفانه و متوازن) که در باره اسرائیل گزارش میدهند، دارای خانواده نیرومند و روابط سیاسی با آن کشور بوده و مقالات شان قدری بیشتر از تبلیغات بوده است. اتان برونر، گزارشگر تایمز، که پسرش در نیروهای دفاعی اسرائیل خدمت کرده است، از مدت ها به اینسو به دفاع از دولت صهیونیستی مینویسد. ایزابل کرشنر، خبرنگار تایمز، که تصور میشود نوشته هایش مستقیماً از دفتر وزارت خارجه اسرائیل بر می آیند، با هیرش گوودمن، مشاور رژیم نتانیاهو در «امور امنیتی» ازدواج کرده است. جودی رودارن، رییس دفتر تایمز به راحتی در منزل اجدادی یک فامیل فلسطینی محروم شده در شهر کهنه اورشلیم، زنده گی میکند.

موضعگیری ثابت تایمز به جانبداری از اسرائیل، به شکلی که سیاستمداران فاسد ایالات متحده بر طبل جنگ برای آن کشور می نوازند، در حکم یک روپوش سیاسی و توجیهی برای آنها است. این غیر منتظره نیست که روزنامه نیویارک تایمز، درست مانند واشنگتن پست، عمیقاً مذاکرات ایالات متحده - ایران را بی اعتبار ساخته و محکوم میکنند - و فضای مساعدی را برای لفاظی های یکجانبه سیاستمداران اسرائیلی و بلند گویان آمریکایی شان فراهم میکنند، در حالیکه با جدیت، صداهای منطقی و طرفدار ایجاد روابط حسنه دیپلمات های با تجربه ایالات متحده، رهبران نظامی جنگی و نماینده گان تجاری و مجتمع های دانشمندان ایالات متحده را استثناً قرار میدهند.

برای درک خصومت کانگرس با مذاکرات هسته یی با ایران و تلاش های آن کشور برای عقب نشینی، با تحمیل تحریم های خنده آور جدید، ضرور است تا به سرچشمه این معضل، بطور مشخص بر اعلامیه های سیاست مداران اسرائیل که برای نماینده های آمریکایی خویش رهنمود تعیین میکنند، نظر افگند.

در اواخر اکتوبر ۲۰۱۳، آموس یادلین، رییس سابق استخبارات نظامی دفاعی اسرائیل (خواننده عزیز متوجه میشود که تمام نهاد های نظامی و استخباراتی اسرائیل واژه دفاعی را در خود ضمیمه دارد. م.) در مورد انتخاب میان بمب یا بمباران صحبت مینمود - پیامی که بدون درنگ توسط ۵۲ رییس سازمانهای عمدتاً یهودی آمریکا بازتاب یافت (هشدار روزمره، ۲۴ اکتوبر ۲۰۱۳). بتاريخ ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۳، یووال شتاینیتر، وزیر استخبارات اسرائیل، درخواست تحریم های جدید شدید تر بر ضد ایران را نمود و اصرار ورزید تا ایالات متحده از این تحریم ها به عنوان اهرمی برای ارایه تقاضای ترک کامل ایران از برنامه صلح آمیز استفاده از انرژی هسته وی و غنی سازی آن، استفاده کنند. موشه یالون وزیر دفاع اعلان کرد که اسرائیل هیچ معامله یی را که به ایران اجازه غنی سازی اورانیوم را بدهد، نخواهد پذیرفت. اگر ایران بدون قید و شرط به ترک کامل برنامه هسته وی خویش تسلیم نشود، موضع اسرائیل، با تهدید جنگ (از طریق ایالات متحده)، همین خواهد بود. این موضع عمده تمام PAC ها، PAC Super - ها و AIPAC طرفدار اسرائیل است. آنها به نوبه خود سیاست دیکته بر افراد متملق در کانگرس ایالات متحده را عملی مینمایند. در نتیجه، کانگرس حتا تحریم های هرچه شدید تر اقتصادی به هدف برهم زدن مذاکرات جاری بر ایران را وضع مینماید.

آنهايي که بزرگترین پرداخت های صهیونیستی PAC های طرفدار اسرائیل را دریافت نموده اند، افراد ماجراجویی هستند: سناتور مارک کرک (۹۲۵۳۷۹ دلار)، مبتکر لایحه تحریم قبلی، درخواست میکند که ایران تمام برنامه هسته وی و موشک های بالستیک خود را ترک کند (!) و اعلان کرد که سنای ایالات متحده « بدون درنگ با یک دور جدید تحریم های اقتصادی، با هدف قرار دادن تمام درآمد ها و ذخیره های باقی مانده دولت ایران، باید به جلو برود » (فایننشال تایمز، ۱۸ اکتوبر ۲۰۱۳، رویه ۶). مجلس نماینده گان ایالات متحده (sic) قبلاً لایحه یی را تصویب کرده که توانایی ایران برای فروش عمده ترین کالای صادراتی اش یعنی نفت را به شدت محدود ساخته است. یکبار دیگر اسرائیل - ZPC - نماینده گان کانگرس میخواهند آجندای جنگی اسرائیل را بر مردم آمریکا تحمیل کنند. در اواخر اکتوبر ۲۰۱۳، نتانیاهو صدر اعظم اسرائیل جان کری وزیر خارجه بزدل را، بخاطر تعهدش در پیشبرد آجندای اسرائیل در خصوص قطع برنامه غنی سازی ایران، برای مدت ۷ ساعت بریان کرد.

به منظور مقابله با کارزار خفه ساختن اقتصاد نفتی ایران توسط پادو های اسرائیل در کانگرس، دولت ایران قرارداد های پر منفعتی برای شرکت های نفتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا پیشنهاد کرد (فایننشال تایمز ۲۹ اکتوبر ۲۰۱۳، رویه ۱). مقررات ملی موجود در حال حذف شدن است. در شرایط جدید، شرکت های خارجی، یا بخش های را برای خود محفوظ نگه داشته و یا در سرمایه سهامی، اسهامی را در پروژه های ایران خریداری نموده اند. ایران امیدوار است تا در سه سال آینده کم از کم به مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار را در سرمایه گذاری ها جلب کند. این کشور دارای ثبات، مالک بزرگترین ذخیره جهانی گاز و چارمین ذخیره نفت میباشد. به دلیل تحریم های وضع شده حاضر از جانب ایالات متحده (اسرائیل)، تولید ۳،۵ میلیون بیرل/ روز در سال ۲۰۱۱، به ۲،۵۸ میلیون بیرل/ روز در سال جاری ۲۰۱۳ کاهش یافته است. سوال این است که آیا «شرکتهای بزرگ نفتی» یعنی شرکت های غول پیکر ایالات متحده – اتحادیه اروپا توانایی به چالش کشیدن و خفه کردن ZPC را بالاتر از سیاست تحریم ایالات متحده – اتحادیه اروپا دارند یا خیر؟ تا این دم، ZPC بر این سیاست بحرانی تسلط داشته و شرکت های بزرگ نفتی را با استفاده از تهدید، ارباب و اجبار در برابر سیاستمداران ایالات متحده به حاشیه رانده است. این بطور موثر، شرکت های ایالات متحده را از بازار پر منفعت ایران بدور نگه داشته است.

نتیجه گیری

همانطوری که ایالات متحده و ۵ کشور دیگر سعی دارند تا با ایران مذاکره کنند، به همان شکل، آنها با داشتن قدرت عظیم اسرائیل در داخل کانگرس ایالات متحده مواجه میباشند. در دهه های اخیر نماینده های اسرائیل وفا داری اکثریت عظیم اعضای کانگرس و آموزش آنها در تشخیص و اطاعت از ندا ها، سیگنال ها و متن های جنگ افروزان تل ابیب را خریده اند.

«محور جنگ»، با مرگ میلیون ها انسان قربانی جنگ های ایالات متحده در خاور میانه، آسیای جنوب غربی و شمال افریقا، آسیب بزرگی به جهان وارد نموده است. فساد عمومی و ورشکستگی گسترده مروج در نظام قانون گذاری ایالات متحده، به دلیل تسلیمی بنده وار آن به یک قدرت خارجی است. چیزی که در واشنگتن باقی میماند، عبارت است از یک دولت خوار و دست نشانده که شهروندان خودش به آن به دیده تنفر نگاه میکنند. اگر کانگرس زیر اداره ZPC بار دیگر با فیصله نامه های جنگ طلبانه خویش موفق به برهم زدن مذاکرات میان ایالات متحده و ایران گردد، ما مردم آمریکا، ناگزیر به بازپرداخت بهای سنگین آن با زنده گی و دارایی خویش خواهیم بود.

زمان عمل همین اکنون است. این زمان نیست که بایست به پا خاست و نقش PAC ها، Super – PAC ها و ۵۲ سازمان عمده یهودیان آمریکا در کانگرس فاسد و نماینده گان نوکر صفت منتخب و تغییر خورده «ما» برای جنگهای اسرائیل را افشا کرد. خاموشی عمیقی از جانب منتقدان نامبرده ما وجود دارد – تعداد کم منتقدان رسانه های دیگر، دست توانای اسرائیل در کانگرس ایالات متحده را مورد حمله قرار داده اند. بطور آشکار شواهد در دست است. جنایات غیر قابل انکار است. مردم آمریکا به رهبران واقعی سیاسی نیاز دارند که با شجاعت برای ریشه کن کردن فساد و فساد پیشه ها کار کنند و اعضای منتخب در مجلس نماینده گان و سنا را وا دارند تا از منافع مردم آمریکا نماینده گی کنند.